

بررسی بازنمایی کنش‌های اجتماعی در مجموعه داستان زن زیادی از جلال آل احمد بر اساس الگوی ون لیوون (۲۰۰۸)

محمود جنیدی جعفری*

طوبی خاقانی**

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی زیر شاخه‌ی تحلیل گفتمان است که با ترکیبی از دو شرط بین رشته‌ای و شرط انتقادی بودن توصیف می‌شود. در تحلیل گفتمان انتقادی، اعتقاد بر این است که در زیرساخت همه‌ی متون و گفتمان‌ها، شکلی از ایدئولوژی نهفته است که ساخت و معنی متن و گفتمان را تعیین می‌کند. به گفته تئون ای ون دایک هدف تحلیل گفتمان، رونمایی، اطلاع دادن و مقاومت در برابر نابرابری‌های اجتماعی است. به عقیده‌ی وی چنین تحلیلی، منتقد را قادر خواهد ساخت تا آن گونه‌های گفتمانی را که از قدرت سوء استفاده می‌کنند و بی‌عدالتی را رواج می‌دهند، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. هدف از بررسی این پژوهش، بازنمایی کنش اجتماعی در مجموعه داستان زن زیادی از جلال آل احمد بر اساس الگوی ون لیوون (۲۰۰۸) می‌باشد که نگارندگان به این دلیل که مجموعه داستان‌های این نویسنده، هم در دوران خود و هم امروزه نیز میان اقشار مختلف محبوبیت خود را دارد این عنوان را جهت بررسی انتخاب نموده‌اند. در این پژوهش از روش توصیفی و کتابخانه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است بدین صورت که پس از انتخاب متون، الگوی مورد بحث روی آنها بررسی شده و در نهایت از آزمون خنی برای مشخص شدن میزان رازگونگی متون استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشانگر این است در این مجموعه داستان میزان صراحت بیشتر از پوشیدگی است.

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات انسانی، mahmood_joneidi@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان‌شناسی (نویسنده مسئول)، t.khaghani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۹

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی ون لیوون (۲۰۰۸)، کنش اجتماعی، آل احمد، زن زیادی.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان است. گفتمان ترجمه‌ی واژه Discourse است و نوعی از کاربرد گفتگو است که در آن علاوه بر معنای ظاهری، به شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه می‌شود. به بیان دیگر در گفتمان، بعد اجتماعی و ایدئولوژیکی به غایت برجسته‌تر است.

تحلیل گفتمان انتقادی از جمله رویکردهای نوین در تجزیه‌ی گفتمان و متن است. در این رویکرد، مبنای این است که زبان و گفتمان در سطوح زیرین حاوی ایدئولوژی و روابط قدرت و سلطه است و در سطوح زیرین، حاوی ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان مدار است. این ساختارها و مؤلفه‌ها با ایدئولوژی نهفته در لایه‌های زیرین متن رابطه‌ای دوسویه دارد. تحلیل‌گر گفتمان انتقادی، با استفاده از الگوهای خاص به بررسی و تحلیل این ساختارها می‌پردازد تا به ایدئولوژی پنهان در پس متون پی ببرد. «تحلیل گفتمان دارای رویکردهای گوناگون از جمله رویکرد ساختارگرایانه، کارکردگرایانه، معرفت‌شناسانه، تحلیل انتقادی گفتمان و رویکرد پسا ساختارگرایانه (دیرینه‌شناسی و تبارشناسی) می‌باشد.» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۴۷۹)

دید نقادانه باعث می‌شود که بتوان دریافت که چگونه با استفاده از عناصر زبانی و ساختارهای گفتمان مدار مختلف می‌توان حقایق را به اشکال مختلف به تصویر کشید، بر فکر و اندیشه‌ی افراد و شیوه‌ی برداشت آنان از مسائل اجتماعی تأثیر گذاشت و در واقع نگرش آنان را کنترل کرد. در این راستا، می‌توان گفت که «زبان» عملی اجتماعی است که با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه سرو کار دارد و از طرفی دیگر، بافت‌های تاریخی، روابط قدرت و سلطه، نهادهای اجتماعی و ایدئولوژیکی متن و گفتار را به وجود می‌آورند. بیشتر نویسندگان سعی می‌کنند در آثارشان ایدئولوژی خود را در قالب ساختار و لغات متفاوت به مردم تحمیل کنند بدون آنکه مردم خود از این مسأله آگاهی داشته باشند. در میان الگوهای متعدد تحلیل انتقادی گفتمان، نگارندگان الگوی ون لیوون را انتخاب کرده‌اند. از آنجایی که تحقیقات فراوانی بر اساس الگوی ون لیوون (۱۹۹۶) کار شده است و در عوض الگوی جدید ون لیوون (۲۰۰۸) کمتر مورد بررسی قرار گرفته، در این مقاله سعی شده است که مطالب در قالب چارچوب ون لیوون (۲۰۰۸) مورد بررسی قرار گیرد. در این

الگو، مرکز توجه دیگر «کارگزاران اجتماعی» نیستند، بلکه این «کنش‌های اجتماعی» هستند که مورد توجه قرار می‌گیرند و در متن بارنمایی می‌شوند. در تحقیق حاضر، چارچوبی در داخل پارادایمی خاص عرضه می‌شود و سپس داده‌های مورد بررسی با توجه به این اصول تحلیل می‌شوند و درستی یا نادرستی نتایج با توجه به این اصول محک زده می‌شوند. هدف از تحقیق حاضر، تجزیه و تحلیل متن و آشکار کردن ساختارهای نهفته‌ی مناسبات قدرت و ایدئولوژی در مجموعه داستان زن زیادی از جلال آل احمد و همچنین شناساندن افکار پنهانی نویسنده به خواننده است و همچنین پاسخ به این سؤال که: در این متون میزان پوشیدگی و صراحت چگونه است؟ و آیا بسامد وقوع مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در بازنمایی کنش اجتماعی در مجموعه داستان زن زیادی به یک اندازه است یا خیر؟

۲. روش تحقیق

برای بررسی این متون در پژوهش حاضر، ابتدا پس از مطالعه متون، نگارندگان به جمع‌آوری مطالبی پرداختند که در آن از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار که در بردارنده منظور و هدف نویسنده کتاب بودند استفاده شده بود، پس از آن با توجه به مفهوم کلی واژگان، عبارات و جملاتی که به کارگیری آن‌ها به بیان مفاهیم به صورت غیرمستقیم پرداخته و در بردارنده بار ایدئولوژیک است، مشخص و شمارش شدند و با توجه به الگوی ون لیوون (۲۰۰۸) به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در نهایت پس از یافتن بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار برای درصددگی آن‌ها از آزمون خی استفاده شد و میزان رازگونگی و صراحت موجود در متون تعیین گردید.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱.۳ ایدئولوژی

کلمه‌ی ایدئولوژی اولین بار توسط مارکسیست‌ها شکل گرفت. در تعریف ایدئولوژی آورده شده «ایدئولوژی شامل نظامی از اندیشه، اعتقاد، ارزش، گرایش و طبقه‌ای از ارجاعاتی است که یک انسان به وسیله‌ی آنها می‌تواند جهان را بشناسد.» (اوکتار، ۲۰۰۱: ۳۱۳)، یارمحمدی (۱۳۸۱: ۹۹) نیز ایدئولوژی را «مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های نظام‌مندی دارند که در یک جامعه ساری و جاری است».

۲.۳ قدرت

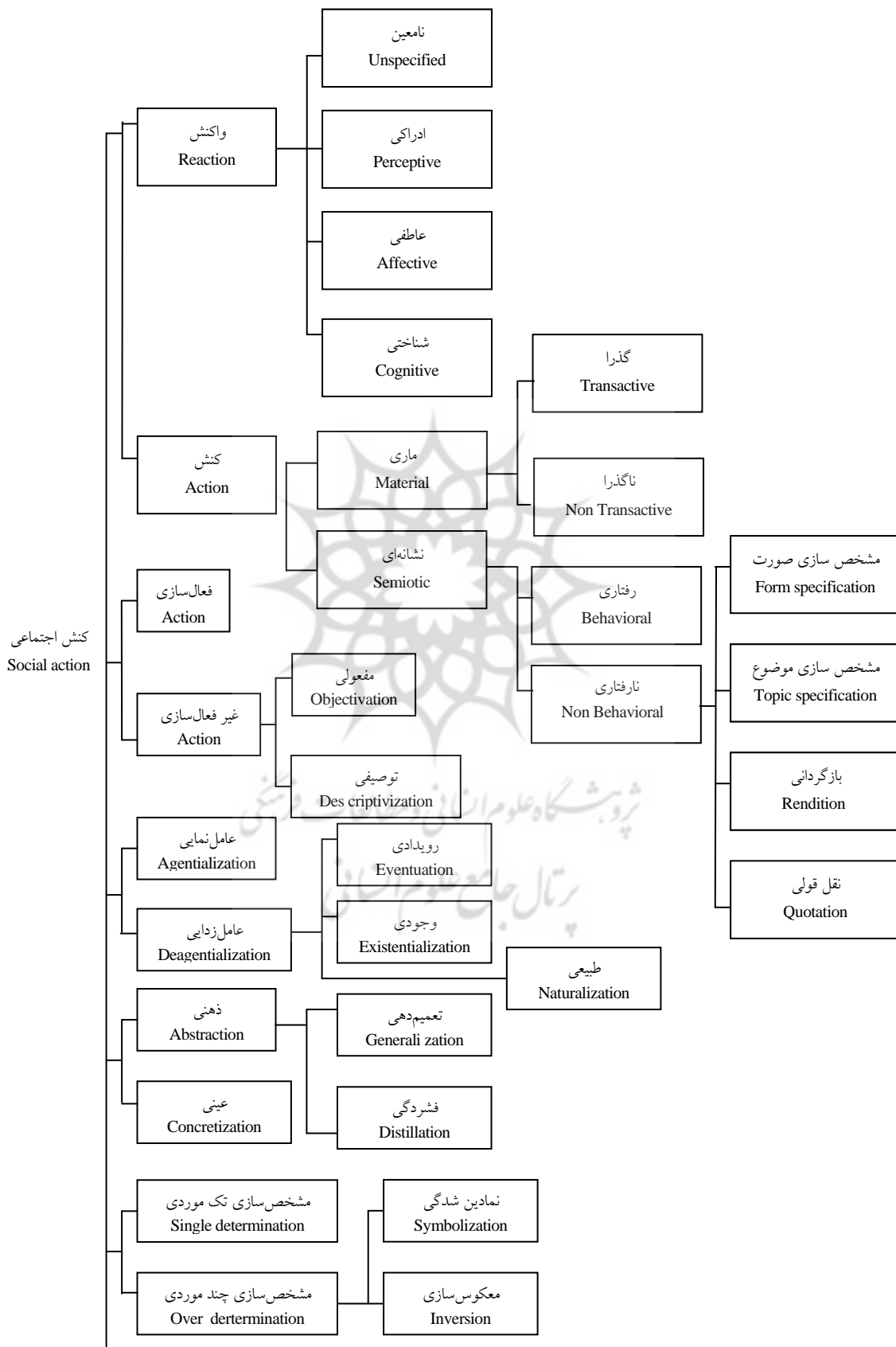
یکی دیگر از مباحث اصلی در تحلیل گفتمان، قدرت است. فرکلاف (۱۹۹۵)، هاج و کرس (۱۹۹۳) و ون‌دایک (۱۹۹۸) معتقدند که گفتمان مقری است که در آن قدرت، ساخته، پرداخته و نوسازی می‌شود. آنها همچنین معتقدند که قدرت، بر خلاف ایدئولوژی فرآیندی طبیعی نیست، بلکه مفهومی است جامعه بنیانی و تنها زبان می‌تواند قدرت و روابط مربوط به آن را در بین اعضای یک جامعه به تصویر بکشد.

۳.۳ هژمونی

فرکلاف و چولپاراک (۱۹۹۹) هژمونی را چنین تعریف کرده‌اند: «رابطه‌ای از سلطه‌مداری رضایت‌آمیز تا سلطه‌مداری اجباری. هژمونی خود شامل طبیعی سازی فرضیات و روابط اجتماعی است. بنابراین معنای هژمونی تأکیدی است بر تأثیر ایدئولوژی و دستیابی و حفظ قدرت».

۴.۳ معرفی الگوی ون لیوون (۲۰۰۸)

یکی از چارچوب‌ها و نظریه‌هایی که در زمینه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی مورد بحث است، رویکرد ون‌لیوون در این زمینه می‌باشد. در اینجا، تمرکز اصلی پژوهش بر این است که «کنش‌های اجتماعی چگونه در گفتمان بازنمایی می‌شوند؟» در پاسخ باید گفت که برای نشان دادن کنش‌های اجتماعی، می‌توان از مؤلفه‌های انتقادی جامعه‌شناختی - معنایی استفاده کرد و آنها را در ساختار جملات یافت. پس می‌توان گفت که ساختارهای دستوری به پیدا کردن مؤلفه‌ها کمک می‌کنند و با پیدا شدن مؤلفه‌ها خود به خود کنش‌های اجتماعی یافت می‌شوند. مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی الگوی ون‌لیوون به طور خلاصه در نمودار زیر آورده شده است. طبق الگوی ون‌لیوون (۲۰۰۸)، پنج تقابل دوگانه در تجزیه و تحلیل متون دخالت دارند. این تقابل‌ها عبارتند از: ۱- نشانه‌ای/مادی، ۲- فعال سازی/غیرفعال سازی، ۳- عامل نمایی/عامل زدایی، ۴- عینی/انتزاعی، ۵- مشخص سازی تک موردی/مشخص سازی چند موردی.



۵.۳ بررسی موضوع مورد بحث

با توجه به محدودیت در تعداد صفحات مقاله، سعی شده مثال‌ها به صورت خلاصه از دو داستان مجموعه زن زیادی انتخاب شوند.

۱.۵.۳ مجموعه داستان زن زیادی

۱.۱.۵.۳ داستان سمنوپزان

خلاصه داستان

سمنوپزان داستان زنی است، به نام مریم خانم با وضعیت مالی مناسب که همسرش، زن دومی اختیار کرده و او برای رفع این مشکل نذر پختن سمنو در ایام فاطمیه را دارد. او برای این نذر تمام همسایه‌ها را برای کمک خبر می‌کند. او به شدت از حضور زن دومی در کنار همسرش رنج می‌برد و به هرکاری و چیزی از روضه حدیث کسا گرفته تا سحر و جادو دست می‌زند. او در انجام کارهایش از شخصی به نام عمقزی گل بته کمک و مشورت می‌گیرد و سرانجام در روز سمنوپزان و بعد از برداشتن در دیگ کنیز هووی مریم خانم در یک طبق کودک مرده اربابش را برای مریم خانم پیشکش می‌فرستد.

کنش‌های اجتماعی موجود در این داستان

مادی

همه را پاییده بودند/ مردها را از خانه بیرون کرده بودند/ بچه کوچولوهاشان را سرپا می‌گرفتند/ همه همسایه‌ها را صدا کرده بود/ پرید توی حوض و بچه را در آورد/ سکینه را صدا زد/ سر و روی دختر را خشک کردند/ خاله تازه داشت بچه‌ها را آرام می‌کرد/ مردها را هم دست به سر کرده بودند/ آنقدر توی خونه بابام نشستم تا یه قرمساقی او مد و دستم را گرفت برد/ حتما دخترکم را چشم‌زدند/ لب افعی را می‌بوسم/ همدیگر را بوسیدیم/ خاکستر نیم‌سوز را زیر اجاق کردند/ دست کرد و سرپوش لگن را برداشت/ پاتیل را دم‌کردند/ قلیان را به صدا در آورد آب‌انبار را خالی کردند/ قلیانش را که مدتی بود ساکت مانده بود کنار زد/ چهار طرف مطبخ را فرش کردند/ با چابکی در لگن را برداشت/ بادیه‌های خود را شمرده بودند/ آتش زیر پاتیل را کشیدند/ سمنورا به هم می‌زنند/ ظرف‌های همسایه را روی دیوار جمع می‌زد/ فاطمه، دختر پا به بخت مریم خانم، یک طرف اتاق خانه را تخت چوبی گذاشته بود و ظرف‌های قیمتی را روی آن چیده بود/ جام را برداشت/ ته صندوق‌خانه را هم گشته

بودند/چینی مرغی‌های قدیمی را بیرون آورده بودند/زن‌های همسایه چادرشان را دور
کمرشان گره زده بودند/جام مس را با سرو صدا روی تخت گذاشت/مریم خانم همین‌طور
خشکش زده بود/صدای بی‌بی زبیده از آن طرف مطبخ بلند شد/عمه‌قزی لب از قلیان
برداشت همه زن‌ها به انتظار روضه حدیث کسای آشیخ عبدالله دور تا دور مطبخ نشستند
بودند/هووی مریم خانم همین روزها قرار است، فارغ شود/سکینه تق‌تق کنان از پله‌ها آمد و
در گوش مریم خانم چیزی گفت/آشیخ عبدالله یالله گویان و عصا زنان از پلکان سرازیر
شد/بچه‌ها فریادکنان ریختند همه تندتند می‌رفتند/خاله آب نباتی آب نبات توی دست
بچه‌ها می‌گذاشت/۲ نفر پارچ آورده بودند/شوهر قرمساقم صبح تا حالا رفته اونجا/

نشانه‌ای

و به صدای مریم خانم که با خواهرش خوش و بش می‌کرد بچه‌ها فریادکنان ریختند
که «آی خاله نباتی.خاله نباتی/تا چشمش به جام مس افتاد برق زد/یکی از زن‌ها فریاد
کشید/دور حوض می‌دوید و سوز و بریز می‌کرد/هنوز که یادش می‌افتم تنم می‌لرزه/دست
کرد و سرپوش لگن را برداشت که یک مرتبه مریم خانم جیتی زد و پس افتاد/خانم سلام
رسوندن و فرمودند الهی شکر نذرتون قبول شد/راجع به عروس‌ها و هووها و مادر
شوهرهای همدیگر نیش و کنایه می‌زدند/اگر این مادر فولاد زره خیر می‌شد قلبش مثل
دنک رزازها می‌کوبید/مثل ماست سفید شده بود/مثل اینکه لب افعی را بوسیدم/

فعال‌سازی

زن‌ها با گیس‌های تنگ بافته و آستین‌های بالا زده چاک یخه‌هایی که از بس برای شیر
دادن بچه‌ها پایین کشیده بودند، شل شده بودند، عجله می‌کردند/متولی مسجد که آن را
روی سرش هن هن کنان و صلوات‌گویان از در چهار اطاق تو آورده بود دوتومان انعام
دادند/با یک بیلچه دسته‌دار سمنو را به هم می‌زدند که ته نگیرد/زن‌هایی که آن طرف مطبخ
و در پناه پاتیل نشستند و چیزی ندیده بودند، هجوم آوردند/

غیر فعال‌سازی

وقتی دم‌کشید از سربار برمی‌داشتند/از توی زیرزمین ده پانزده تا آجر نظامی کهنه
آوردند/

با دست‌های دراز از سرو کله هم بالا می‌رفتند/وقتی هم که پاتیل را آب‌گیری می‌کردند، تا ۲۵ شمرده بودن/آن روز خدا عالم است دست چند تابچه برای آب نبات دراز شد/از صندوق‌خانه در آمدند/دو ساعت پیش ناهار که خورده بودند، به مادرش خبر داده بود که هشتاد و هشت تا ظرف جمع شده بود/دم در مطبخ تا رسیدند مریم خانم برگشت/روی دیوار علامتی گذاشت/آب انبارشون یک پنجره تو حیاط داره/یک بار دیگر هم آن را به صدا در آورد/با یک بیلچه دسته دار بلند سمنو را هم می‌زدند/

مریم خانم زن حاج عباس قلی آقا با پاهای گوشتالو و آستین‌های بالا زده /صدای ناله بریده بریده‌اش از آن طرف حیاط تا پاتیل سمنو می‌آمد/فاطمه دختر پا به بخت مریم خانم/فاطمه دختر بزرگش را مامور کرده بود/به عروس حسرت بگو کمتر بجزوونتش/دخترهای بی‌شوهر را بیرون فرستادند/بابای قرمساق که او مد می‌گم با میراب حرف بزنه/مادر شوهر خاله آب نباتی کور بود و چشم‌های ماتش را به یک گوشه دوخته بود/دومادی که این کورمفینه واسه دخترم پیدا کنه لایق گیس خودش/همه می‌دانستند زن باریک و دراز و کلفت هووی مریم خانم است/

عامل نمایی

خانم عباس قلی سمنو می‌پزد/رقیه را پای سماور نشانده بود/دعا و نفرین می‌کرد/مریم خانم با خواهرش خوش و بش می‌کرد/متلک می‌گفتند/شوخی می‌کردند/سلام می‌کردند/نیش و کنایه رد و بدل می‌کردند/بچه‌ها را سرپا می‌گرفتند/فندق و بادام را خواهرش نذر داشت/چادرشان را دور کمرشان پیچیده بودند/پشت چشم نازک می‌کردند/ظرف‌ها را روی گچ دیوار جمع می‌زد/باید بچه‌های طاق و جفت مردمو ببینم و آه بکشم/رفتم واسه امروز دعوتش کردم/عمقزی گل بته فکرهایش را کرده بود/می‌دانست چه بکند/از قول ما سلام می‌رسونی می‌گی آدم تخم مول خودش رو نمیداره تو طبق، دور شهر بگردونه/همه می‌دانستند که زن باریک و دراز کلفت مریم خانم است/خاله زهرا خیال کرده بود لگن به این بزرگی را برای سمنو آورده‌اند/

عامل زدایی

یکی از همین روزهای سمنویزان جام گم شد/همه ماهی‌ها مردند/همین روزها باید فارغ شود/

انتزاعی

مراسم عروسی/مراسم عزا/ نذری/تحويل سال/
سمونپزان/روضه حدیث کسای آشیخ عبدالله/نذر پنج تن/بساط هفت سین

عینی

خاله از زیر چادرکیف پارچه‌ایش را درآورد؛ زیب آن را کشید و یکی یکی دانه آب نبات توی دست بچه‌ها گذاشت/مریم خانم امسال به نذر پنج تن، یک من گندم بیشتر از سال- های پیش سبز کرده بود/بادام و فندق را هم خواهرش نذر داشت/فرستاده بودند پاتیل بزرگ مسجد را آورده بودند/فرش یکی از اتاق‌ها را جمع کرده بودند و هرچه ظرف داشتند، دسته‌دسته دور اتاق و توی طاقچه‌ها چیده بودند/ته صندوق‌ها را هم گشته بودند و چینی مرغی‌های قدیمی را هم بیرون آورده بودند/ظرف‌های همسایه را روی گچ دیوار جمع می- زد/پایش را از آخرین پله مطبخ گذاشت پایین و سلام بلندی کرد و همان‌جا جلوی مریم خانم که قلبش مثل دنک رزازها می‌کوبید نشست و لگن را از روی سرش برداشت و گذاشت زمین/

مشخص سازی تک‌موردی

وجود نداشت

مشخص سازی چندموردی

اگر این مادر فولاد زره خبردار می‌شد همه هوردود می‌شدیم می‌رفتیم هوا/

۳-۱-۲- داستان خانم نزهت‌الدوله

خلاصه داستان

خانم نزهت‌الدوله داستان زنی است، بسیار بلند پرواز و از طبقه اشراف که تاکنون سه‌بار شوهر کرده و هنوز به دنبال یافتن همسر ایده‌آلش است. او هزینه بسیاری را صرف زیباسازی ظاهر، پوست و جوانی‌اش می‌کند. از ازدواج با همسر اولش که خود خانم نزهت‌الدوله این ازدواج را نتیجه عشق و عاشقی می‌داند، سه دختر و یک پسر دارد. که بعد از طلاق مهریه کلانش به فرزندانش ترجیح می‌دهد با همسر دومش که یک افسر موبور چشم آبی بود مخفیانه عقد کرد و بیش از یک ماه زندگی نکرد. او دو همسر دیگر نیز داشت اما نتوانست

مهرش را از آن‌ها بگیرد. همسر سومش رئیس یک ایل بود مردی کوتاه قد که او هم به چشم داشت اموال خانم، با او ازدواج کرد و دوبار طرح نقشه دزدی از خانه را به اتفاق خواهرش کشیده بودند. مدتی زندگی و بعد طلاق گرفت و هنوز هم هزینه زیادی صرف ظاهر و زیبایی خود می‌کند و هنوز در جستجوی همسر ایده‌آلی برای خودش است.

کنش‌های اجتماعی موجود در داستان

مادی

نزدیک بود شوهر خانم نزهت‌الدوله به عنوان عدم امنیت، دولت را در مجلس استیضاح کند/هم خانواده عروس و هم خانواده داماد حساب‌های همدیگر را خوب واریسی کرده بودند/نمایندگان وزرای کابینه را هفته‌ای دوبار دعوت می‌کرد/عشق و عاشقی آن دو را به هم رسانده بود/دیگر حوصله نداشت از فرق سر تا پای خانم نزهت‌الدوله را ببوسد/پدرش را با کاغذهای خودش کاس کرده بود/زنش را خانم صدا می‌کرد/بچه‌ها را دادند و طلاق دختر را با مهرش گرفتند/روزهای تعطیل دوستانش را با ماشین‌های وزارتی پدرش به گردش می‌برد/شوهرش را پای تلفن خواستند دیشب باز خانه را دزد زده/سوء ظن خود را نسبت به رئیس ایل و خواهرش بیان کرده بودند/وزیر داخله را با رئیس ایل آشتی دادند/عاقبت خودش را برداشتند و بردند به یکی یکی دفترخانه‌ها، تا قانعش کردند/قبض سه ماهه اجاره را بی‌آنکه پولی بدهد برگرفته بود/میز شام را به صورت Tچیده بودند/آب دوش وان را خودش گرم می‌کرد/لباس زیرش را خودش می‌بست/از پشت شیشه یکی یکی مبل‌ها و اثاث خانم نزهت‌الدوله را واریسی کرده بودند/گرانبهاترین مبل‌ها و فرش‌ها را توی اتاقش جمع کرده بود/م‌انسانی و مطالعات فرهنگی

خانم نزهت‌الدوله سه تا شوهر کرده/گرچه خانم نزهت‌الدوله کوچک‌ترین فرزند پدر و مادرش بوده است، ولی زودتر از خواهرهای دیگر شوهر کرده/پیراهن اورگاندی تافته می‌پوشد/هفته‌ای یک بار به آرایشگاه می‌رود/ده ساعت می‌خوابد/از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در دسترس خانم نزهت‌الدوله بود/هیچ یک از دوستان و خویشان و دور و نزدیک باقی نمانده بود که لااقل یکی دوبار برای خانم نزهت‌الدوله وساطت نکرده باشد/پستان‌بندهای جورواجوری می‌بست که سفارشی در کارخانه‌های سوئیس به اندازه سینه خانم دوخته بودند/خودش با افتخار اعتراف می‌کند که سر و گوشش می‌جنبیده/باغ بزرگی در شمیران اجاره کرد/به همه شب نشینی‌ها می‌رفت/یک دست لباس عروسی کامل

وارد کرد/کامیون‌های شرکت کتیرا که هم خانم نزهت‌الدوله و هم شوهرخواهرش در آن سهم داشتند، سه روز تمام مرغ و گوشت و سبزی و میوه و مشروب به شمیران بردند/

نشانه‌ای

همه دوستان و اقوام می‌دانند اگر در سوگ و سرورشان شرکت می‌کند و اگر گل و هدیه‌های گران‌بها برای زایمان و ازدواج و خانه عوض کردن هاشان می‌برد و اگر برای تازه عروس‌ها پاگشا می‌دهد، همه برای این است که با آدم تازه‌ای آشنا شود/ خانم نزهت‌الدوله سر از پا نمی‌شناخت/ این بار خانم نزهت‌الدوله که هیچ شوهرش هم تاب نیاورد و زانوهایش خم شد/

احتیاج به آدم کارآمد و امنیتی مثل دامادش داشت/ می‌خواست در خانه‌اش مثل هر جای دیگر حضرت والی باشد/ میز شام را به صورت T چیده بودند/ مجالس رسمی را با وصف عصا قورت دادگی‌های شوهرشو چند تا قصه راجع به مازندرانی‌ها شنیده بود گرم می‌کرد راجع به اینکه فر موهایش چقدر قشنگ بود، حرف می‌زد/

راجع به این که فر موهایش چقدر قشنگ بود حرف می‌زد/ شوهرش را پای تلفن خواستند که باز خانه‌اش را دزد زد/

فعال‌سازی

حسن کار در این بود که شوهر ایده‌آل آخری با شرایط زمان و مکان که در گفتگوی همه کس به گوش خانم می‌خورد، مطابق بود/

غیرفعال‌سازی

جای اثاث دزد برده را پر کرد/ روزی سه ساعت از وقتش را پای آینه می‌گذراند/ مجالس رسمی را با وصف عصا قورت دادگی‌های همسرش گرم می‌کرد/ مخفیانه بساط عقد را راه انداخت/ روز عروسی را معین کردند/ خانه شهری‌اش را اجاره داد/ از صبح تا شام وقتش را جلوی آینه می‌گذراند/ خانه را لخت کردند/ از بدی زمانه و بی‌دینی مردم به اینجا رسیده‌اند/ یکی از شب‌های مهتابی اوایل تابستان بود/ هوا بسیار مساعد بود/

پیراهن کلوش اورگاندی می‌پوشد/ روزی یک جفت دستکش سفید عوض می‌کند/ نزهت‌الدوله قد بلندی، دارد صدایش نازک است/ دماغش باریک است/ احتیاج به آدم کارآمد و امنیتی مثل دامادش داشت/ چند تا قصه خنده‌دار را راجع به مازندرانی‌ها شنیده بود/ هنوز نمی‌دانست که شوهر ایده‌آلش چه خصوصیتی باید داشته باشد/ شوهر دوم خانم نزهت‌الدوله یک افسر رشید چشم‌آبی بود/ صورتی آفتاب سوخته داشت / در همه مجلس او را به عنوان یک خانم تجربه دیده می‌شناختند/ مردی بود چهارشانه با سیل‌های تابیده/ نطق‌های غرای تبریک‌آمیز رد و بدل شد/ هر روز زاغ سیاه خواهر شوهر موبور چشم آبی را چوب زده بودند/

عامل‌نمایی

چشم‌هایش را ماساژ می‌دهد/ بازهم عقیده دارد/ موهایش را مثل تازه عروس می‌آراید/ با سنجاق و گیره بالا می‌زد/ کسی باقی نمانده که لااقل یک بار برای خانم نزهت‌الدوله وساطت نکرده باشد/ نمی‌خواست زنش او را منصور تنها صدا بزند/ این برای خانم نزهت‌الدوله تحمل‌ناپذیر بود/ عارش می‌آمد که از خانه پا بیرون بگذارد/ حوصله‌اش را سر می‌بردند/ نمی‌توانست این رجحان را نادیده بگیرد/ فردا صبح خانه زندگی را ول کرد/ طلاق خانم را با مهرش گرفت/ مهمانی‌های خصوصی می‌داد/ آنقدر پول داشت که در هر فصل ۲۱ دست لباس بدوزد/ هفته‌ای یک جفت کفش بخرد/ روز ۲۱ ماه طلاق گرفته بود او را برداشتند به یکی‌یکی دفترخانه بردند تا قانعش کردند/ ته دلش هنوز آرزوی آن افسر چشم آبی را داشت/ خیال می‌کرد با همین نوارها و منگوله‌ها می‌تواند با وزیر داخله مملکت جوال برود/ خیال می‌کرد وزیر لنگه دنیا دست آقا هم تمام خدمتکاران سر جهازی خانم را اخراج کرد/ حتم داشت که برای حفظ آبروی دولت و ملت فداکاری می‌کند/

عامل‌زدایی

دوتا از دخترهایش به خانه داماد فرستاده شده‌اند/ مهر خانم نزهت‌الدوله سوخت شد/ مجلس خیلی آبرومند برگزار شد/ نطق‌های غرای تبریک‌آمیز رد و بدل شد/ فوراً رئیس شهربانی وقت مورد حمله قرار گرفت/ با وجود دوستی‌های تازه برقرار شده شب عروسی /

شش بار زاییده/مادر بزرگ شده/ اگر برای تازه عروس‌ها زایمان‌ها و ازدواج‌ها و ... برای این است مه با مرد تازه‌ای آشنا شود/ دو سه ماهش از طلاق دوم نگذشته بود که پدرش مرد/

ذهنی

طرح استیصاح مسکوت ماند/مقدمات کار فراهم شده بود گفت و شنیدها رسمی و حساب شده بود او این بار از این تجربه آموزنده‌تر بیرون آمد/ لایحه صلب مصونیت/ استیصاحی که باید در اواخر همان هفته از دولت می‌آمد در همان مجلس مسکوت ماند/مصونیت پارلمانی/سیر تا پیاز کارهای خانه را خودش می‌کرد/

عینی

از پشت شیشه یکی یکی از مبل‌ها و اثاث‌های خانم نزهت‌الدوله را واریسی کرده بود/شوهرش را پای تلفن خواستند که باز خانه را دزد زد/ رئیس جدید به تمام کلانتری‌های شمیران افزود و گشت شبانه گذاشت از آشپز تا باغبان را اخراج کرد و به جای آن‌ها هفت نفر از ایل که تلگرافی احضار کرده بود، آورد/ آب دوش و وان را خودش سرد و گرم می‌کرد/لقمه برایش می‌گرفت/دو دسته ارکستر آورده بودند و پیست رقص که تازه از زیر دست نجار و بنا درآمده بود/خانم نزهت‌الدوله که سر از پا نمی‌شناخت در عرض یک هفته، خانه شهری‌اش را اجاره داد/به وسیله یکی از خواهرزاده‌هایش که برای تحصیل به فرنگ رفته بود یک دست لباس کامل عروسی وارد کرد که بیست و یک متر دنباله داشت/خانم نزهت‌الدوله اول کاری که کرد این بود که خانه‌ای مجزا گرفت و ماشینی خرید و چهارشنبه‌ها را روز نشست قرارداد هر روز و هر ساعت پای تلفن بود مهمانی‌های خصوصی می‌داد/ زن و شوهر ناچار شش سال آژگار در مازندران ماندند/

مشخص‌سازی صورت

وجود نداشت

مشخص‌سازی موضوع

وجود نداشت

۳-۶- تحلیل داده‌ها

۳-۶-۱- مجموعه داستان زن زیادی

مادی / نشانه‌ای

در این مجموعه داستان‌کنش مادی با بسامد ۱۷۷ بیشترین بسامد را دارد. نویسنده بیشتر سعی نموده تا از طریق به‌کارگیری کنش‌گر و هدف و به صورت گذرا و تعاملی که همان تعامل انسان با انسان است، و برای اینکه مطلب برای خواننده قابل لمس‌تر باشد و منظور خود را به خواننده القاء کند، از کنش مادی استفاده کند. تنها در داستان کوتاه جاپا است که، کنش مادی بیشتر به صورت ناگذر ارائه گردیده است و از آنجا که این داستان در مورد فردی منزوی است، کنش تعاملی گذرا در این داستان مشهود نبوده و نقش کنش ابزاری پررنگ‌تر دیده می‌شود. کنش نشانه‌ای در مقایسه با کنش مادی بسامد کمتری دارد و از آنجاکه مخاطبان این نویسنده تمام اقشار جامعه هستند، نخواستگی تا تنها از طریق معنا و مفهوم ایدئولوژی خود را به خوانندگان القا کند. به طور کلی در این مجموعه داستان کنش مادی یا بسامد ۱۷۷، ۶۸/۷۴٪ و کنش نشانه‌ای یا بسامد ۶۰، ۳۱/۲۵٪ بازنمایی شده این آمار نشان دهنده این است که، نقش کنش مادی در این مجموعه داستان نقش پررنگ‌تری داشته این گفته را می‌توان در جدول ذیل نشان داد.

جدول شماره (۴-۱)

نشانه‌ای		مادی		تقابل
درصد	بسامد	درصد	بسامد	مجموعه داستان زن زیادی
۲۵/۳۱	۶۰	۷۴/۶	۱۷۷	

فعال‌سازی / غیرفعال‌سازی

کنش فعال‌سازی در این مجموعه داستان از بسامد ۱۹ برخوردار بوده و در مقابل، کنش غیرفعال‌سازی بسامد ۸۹ را داشته هر دو مولفه مفعولی و توصیفی به تناوب مشهود هستند و تفاوت زیادی به لحاظ بسامد در این ۲ مولفه احساس نمی‌شود و اکثراً اختلاف بسامد، به بیشتر از عدد ۲ نمی‌رسد. تنها در داستان کوتاه عکاس با معرفت است که بسامد، مولفه توصیفی بیشتر قابل مشاهده است. در نتیجه کنش‌ها بیشتر به صورت غیر فعال‌سازی و

ایستا ارائه، و به پس‌زمینه ذهن مخاطب رانده شده است و اولویت حضور این کنش بیشتر به چیز دیگری منتقل شده است.

به طور کلی در این مجموعه داستان کنش غیرفعال‌سازی با بسامد ۸۹، ۸۲/۴۰ درصد و فعال‌سازی با بسامد ۱۹، ۱۷/۵۹ درصد بوده است. این گفته را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد.

جدول (۲-۴)

غیر فعال سازی		فعال سازی		تقابل
بسامد	درصد	بسامد	درصد	مجموعه داستان زن زیادی
۱۹	۸۲/۴۰	۸۹	۱۷/۵۹	

عامل‌نمایی/عامل‌زدایی

براساس بررسی داستان‌های منتخب از مجموعه داستان زن زیادی، مشخص شد که، عامل‌نمایی بسامد ۸۴ و عامل‌زدایی بسامد ۳۱ را داراست. در اینجا با یادآوری اینکه عامل‌نمایی با عاملیت انسان بازنمایی می‌شود، و نویسنده در این کتاب، با توجه به بررسی‌های انجام شده سعی داشته، با عقاید و اشتباهات اقشار مختلف جامعه و بیشترین نوع نگاه طبقه مرفه جامعه به زندگی به مبارزه پرداخته، لذا مشخصه عامل‌نمایی با حضور پررنگ‌تری مشهود است. مولفه عامل‌زدایی، بسامد کمتری داشته و بیشتر از طریق مولفه رویدادی و به صورت مجهول بازنمایی شده است.

به طور کلی در این مجموعه داستان، عامل‌نمایی با بسامد ۸۴، ۷۳/۰۴ درصد و عامل‌زدایی با بسامد ۳۱، ۲۶/۹۵ درصد بازنمایی شده است.

این گفته را می‌توان در جدول ذیل مشاهده کرد.

جدول (۳-۴)

عامل‌زدایی		عامل‌نمایی		تقابل
بسامد	درصد	بسامد	درصد	مجموعه داستان زن زیادی
۳۱	۲۶/۹۵	۸۴	۷۳/۰۴	

عینی/ذهنی

در یک کنش عینی با توجه به آراء ون لیوون این عین عمل است که بازنمایی می‌شود نه کمتر و نه بیشتر و در کنش انتزاعی مجموعه‌ای از کنش در یک کنش نمود پیدا می‌کنند. در مجموعه داستان زن زیادی، بیشتر کنش عینی، با بسامد ۵۰ مورد استفاده قرار گرفته، چرا که نویسنده سعی داشته با بیان جزئیات به شرح ایدئولوژی خود در داستان بپردازد. کنش ذهنی با بسامد ۲۳ مورد استفاده قرار گرفته است.

در این میان مولفه تعمیم بیشتر کار برداشته. در داستان‌های عکاس با معرفت و جاپا مولفه ذهنی اصلاً وجود نداشت. به طور کلی در این مجموعه داستان کنش عینی با بسامد ۵ ، ۶۸/۴۹٪ و کنش ذهنی با بسامد ۲۳ ، ۳۱/۵۰٪ بازنمایی شده است. در جدول ذیل می‌توان این گفته را تأیید کرد.

جدول (۴-۴)

ذهنی		عینی		تقابل
درصد	بسامد	درصد	بسامد	مجموعه داستان زن زیادی
۳۱/۵۰	۲۳	۶۸/۴۹	۵۰	

مشخص‌سازی تک‌موردی/مشخص‌سازی چندموردی

در مشخص‌سازی تک‌موردی کنش اجتماعی در آن واحد در یک عمل یا یک نقش اجتماعی مشخص بصورت مشخص بازنمایی می‌شود و برعکس آن، در مشخص‌سازی چند موردی یک کنش می‌تواند در آن واحد دو نقش داشته باشد و در این مجموعه داستان مشخص‌سازی تک‌موردی با بسامد ۴ کمتر و مشخص‌سازی چندموردی با بسامد ۸ بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. مشخص‌سازی تک‌موردی در داستان‌های سمنوپزان، خانم زهت‌الدوله، عکاس با معرفت و جاپا یافت نشد و تنها در مجموعه داستان زن زیادی وجود دارد. مشخص‌سازی چند موردی بیشتر در قالب معکوس‌سازی ارائه شده است، تا ذهن مخاطب را به چالش کشانده و بیشتر به تفکر وادارد.

بطور کلی در این مجموعه داستان مشخص‌سازی تک‌موردی با بسامد ۴ ، ۳۳/۳۳٪ و مشخص‌سازی چند موردی با بسامد ۸ ، ۶۶/۶۶٪ بازنمایی شده است که، در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول (۴-۵)

و مشخص سازی جند موردی		مشخص سازی تک موردی		تقابل
درصد	بسامد	درصد	بسامد	مجموعه داستان زن زیادی
۶۶/۶۶	۸	۳۳/۳۳	۴	

۴. نتایج پژوهش

در این مجموعه داستان، کنش مادی با بسامد ۱۷۷ بیشترین بسامد را دارد. کنش فعال‌سازی در این مجموعه داستان از بسامد ۱۹ برخوردار بوده و در مقابل، کنش غیرفعال‌سازی بسامد ۸۹ را داشته هر دو مولفه مفعولی و توصیفی به تناوب مشهود هستند و تفاوت زیادی به لحاظ بسامد در این ۲ مولفه احساس نمی‌شود و اکثراً اختلاف بسامد، به بیشتر از عدد ۲ نمی‌رسد. در نتیجه کنش‌ها بیشتر به صورت غیر فعال‌سازی و ایستا ارائه، و به پس‌زمینه ذهن مخاطب رانده شده است و اولویت حضور این کنش بیشتر به چیز دیگری منتقل شده است. براساس بررسی داستان‌های منتخب از مجموعه داستان زن زیادی، مشخص شد که، عامل‌نمایی بسامد ۸۴ و عامل‌زدایی بسامد ۳۱ را داراست. در اینجا با یادآوری اینکه عامل‌نمایی با عاملیت انسان بازنمایی می‌شود، و نویسنده در این کتاب، با توجه به بررسی‌های انجام شده سعی داشته، با عقاید و اشتباهات اقشار مختلف جامعه و بیشتر نوع نگاه طبقه مرفه جامعه به زندگی به مبارزه پرداخته، لذا مشخصه عامل‌نمایی با حضور پررنگ‌تری مشهود است. مولفه عامل‌زدایی، بسامد کمتری داشته و بیشتر از طریق مولفه رویدادی و به صورت مجهول بازنمایی شده است. در مجموعه داستان زن زیادی، بیشتر کنش عینی، با بسامد ۵۰ مورد استفاده قرار گرفته، چرا که نویسنده سعی داشته با بیان جزئیات به شرح ایدئولوژی خود در داستان بپردازد. کنش ذهنی با بسامد ۲۳ مورد استفاده قرار گرفته است. در مشخص‌سازی تک‌موردی کنش اجتماعی در آن واحد در یک عمل یا یک نقش اجتماعی مشخص بصورت مشخص بازنمایی می‌شود و برعکس آن، در مشخص‌سازی چند موردی یک کنش می‌تواند در آن واحد دو نقش داشته باشد.

کتاب‌نامه

آفاگل‌زاده، فردوس، (۱۳۸۶). رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی. مجله زبان و زبان‌شناسی، سال سوم، شماره اول، تهران: انجمن زبان‌شناسی.

۹۴ بررسی بازنمایی کنش‌های اجتماعی در مجموعه داستان زن زیادی از جلال آل احمد ...

- آفاگل زاده، فردوس، (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- انوری، حسن و گیوی، حسن، (۱۳۷۴). دستور زبان فارسی. تهران: موسسه فرهنگی فاطمی.
- باغینی پور، مجید (۱۳۸۰). سخن کاوی انتقادی، تحلیلی کوتاه در بازتاب قدرت در زبان، مجله زیان‌شناسی، شماره دوم، سال شانزدهم: ۲۰-۲.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و فلاحی، محمد هادی، ۱۳۸۸، شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوران مشروطه از نظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مولفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (علمی پژوهشی)، شماره یک حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۷). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- حیدری تبریزی، حسین و رزمجو، سید آیت‌الله. (۱۳۸۴). شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مولفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی-نشریه‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره مسلسل ۱۹۵.
- شکر فروش، مهناز، (۱۳۸۸). بازنمایی کارگزاران اجتماعی راجع به مسأله‌ی انرژی هسته‌ای ایران در روزنامه‌های فارسی و انگلیسی زبان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه علوم و تحقیقات فارس، شیراز. شهبازی، (۱۳۷۸). تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه‌ی سعدی. رساله‌ی کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- صلح جو، علی، (۱۳۷۷). گفتمان و ترجمه، تهران: نشر مرکز
- فرد، فوزیه، (۱۳۸۳). مقایسه تحلیل گفتمان انتقادی داستانهای کودکان و داستانهای کوتاه بزرگسالان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: شیراز.
- فرکلاف، نورمن، (۱۹۹۵). تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- قنبری، لیلا. (۱۳۸۳). مطالعه تحلیل انتقادی گفتمان داستانهای کوتاه معاصر بزرگسال و نوجوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: شیراز. دانشگاه شیراز.
- ون دایک، تئون ای (۱۹۹۸). از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، علیرضا خرمایی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۰). شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاههای فکری- اجتماعی. نامه فرهنگ. دور سوم. شماره ۴۲.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۰). واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای در واژگان‌شناسی مقابله‌ای تجزیه و تحلیل گفتمانی انتقادی و ترجمه ادبی. نامه فرهنگستان علوم. شماره ۱۷.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۱). تحلیل گفتمانی با استفاده از مولفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی گفتمان مدار با عنایت به تصویرسازی کارگزاران اجتماعی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان. شماره ۱۰ و ۱۱.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۲). تحلیل انتقادی سرمقاله‌ها و یادداشتهای روز از میان روزنامه‌های تهران، نامه فرهنگ. دوره ۳. شماره مسلسل ۳۹
- یار محمدی، لطف‌الله ... (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: انتشارات هرمس

یار محمدی، لطف ا... و سیف، لیدا. (۱۳۸۳). *بازنمایی کارگزاران اجتماعی در مناقشات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتماندار جامعه شناختی- معنایی*. ششمین همایش زبان شناسی، تهران: مجله دانشگاه علامه طباطبائی.

یاسمی، کلثوم، (۱۳۸۷). *بازنمایی کارگزاران اجتماعی در متون ادبی کتب ادبیات فارسی دوره ی متوسطه با عنایت به مولفه های جامعه شناختی- معنایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه علوم و تحقیقات فارس، شیراز.

Amal-saleh.E.(2004).*The Representation of Social Actors in The EFL Textbook in Iran*. Unpublished Ph, D. Dissertation, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Bernstein, B. (1990). *The structure of Pedagogic Discourse*, London: Routledge.

Brown, G. & G. Yule. (1983) *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.

Davatgarzadeh. G. (2007). *The Representation of Social Actors in Interchange Third Edition Series: Critical Discourse Analysis with Respect to the Socio-Semantic Features*. Unpublished MA Thesis, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.

Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. London: Polity Press.

Fairclough, N. (1995a). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.

Fairclough, N. (1995b). *Media Discourse*. London: Edward Arnold.

Fairclough, N. (1998). Political discourse in the media: an analytical framework. In A. Bell and P. Garrett (Eds.) *Approaches to Media Discourse*. Oxford: Blackwell.

Firth, J.R. (1934). *Personality and Language in Society*, in Papers in Linguistics.

Foucault, M. (1984). *The Order of Discourse*, In R. Young (Ed), *Untying the Text*, 48-78, Routledge.

Foucault, M. (1972). *The Archaeology of Knowledge*. Translated by A.. Sheridan. London: Routledge. [1969]

Fowler, R., Hodge, B., Kress, G., & Trew, T. (1979). *Language and Control*. London: Routledge and Kegan Paul.

Fowler, R. (1991). *Language in the News: Discourse and Ideology in the Press*. London: Routledge.

Fowler, R. (1993). *Language in the News: Discourse and Ideology in the Press*, Newyork: Routledge.

Givon, I. (1979). *on understanding Grammar*, NewYork: Academic Press.

Halliday, M.A.K. (1985). *Introduction to Functional Grammar*. London: Arnold.

Hodge, R. and G. kress. (1988). *Social semantics*, Cambridge: polity press.

Hodge, R and G. Kress, (1993), *language as Ideology*. London: Rout ledge.

- Kress, Gunther (1985). Ideological structures in discourse. In Teun A. van Dijk (Ed.), *Hand book of Discourse Analysis*, vol 4 (pp. 27-42).
- Kress, G., Hodge, R., 1979. *Language as Ideology*, London: Routledge.
- Khosravi-nik, M. (2000) *The Relationship between Ideological Structures and Discursive Structures of the Editorials and Commentaries in a Selected Sample of Iranian Daily Newspaper. A Critical Discourse Perspective*. M.A. Thesis, Shiraz: Shiraz University.
- Khosravi-nik, M. (2008). *Actor, Action, and Argumentation: Towards a Systematisation of CDA Analytical Categories in the Representation of Social Actors*. Pre-publiation, London: Lancaster university.
- Kress, G.(1985), *Discourse, Text, Readers and the Pro-nuclear Argument In*: Chilton, P., (eds.)
- Kress, G.and Van Leeuwen, T. (2001) *Multimodal Discourse Analysis – The modes and media of contemporary communication*. London: Arnold.
- Leeuwen, T. & Wodak, R. (1999). Legitimizing immigration control: discourse historical analysis. In *Discourse Studies*, 1(1): 83-118.
- Leeuwen, T. Van. (1996). *The Representation of Social Actors*" in Caldas-Coulthard, C. R. and Coulthard, M. (ed.) *Texts and Practices*. London:Routledge.
- Leeuwen, T. Van. (2008). *Discourse and practice : new tools for critical discourse analysis* , Oxford University Press
- Malmkyar, K. (2000). *The linguistics Encyclopedia*, New York: Routledge.
- Mc Coy, Kate (1997). White noise the sound of epidemic: Reading/ writing: a climate of intelligibility around the "Crisis" of difference. *Qualitative studies in Education*, 10 (3), 333-347.
- Mobashernia , R. (1992). *A Discoursal Analysis of Scientific Writings in English and Persian with Concentration on Medical Texts*. M.A. Thesis , Shiraz: Shiraz University.
- Merskin, Debra (1999). Adolescence, advertising and the ideology of menstruation. *Sex Roles: A journal of Research* Research. Retrieved from <http://www.Findarticles.com> .
- Namjoo , P. (2003). *The Way Discursive and Ideological Structures are Related in Two Sets of Speeches on Terrorism*. M.A. thesis Shiraz: Shiraz University.
- Oktar, Lutfiye (2001). The ideological organization of representational processes in the presentation of us and them. *Discourse and society*, 12 (3), 313.346.
- Richards, J. & Schmidt, R. (2002). *Dictionary of language teaching & applied linguistics*. Pearson Education Limited.
- Sapir, E. (1949). *Selected Writings of Edward Sapir in Language, Culture and personality*: university of California press.

- van Dijk, T. (1986). *Racism in the Press*. London: Arnold.
- van Dijk, T. (1998). *Ideology: A Multidisciplinary Approach*. London: Sage Publications.
- van Dijk, T. A. (2001). Multidisciplinary CDA: a plea for diversity. In R. Wodak & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: SAGE Publications.
- van Dijk, T. (1987). *Communicating Racism: Ethnic Prejudice in Thought and Talk*. Newbury Park, CA: Sage.
- van Dijk, T. (1991). *Racism and the Press*. London: Routledge.
- van Dijk, T. (1993). *Elite Discourse and Racism*. Newbury Park, CA: Sage.
- Wodak, R. and M. Meyer (Eds). (2001). *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications. Darali, G. (2007).

